

# الگوی وحدت کارکردی ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری مدظله العالی

نویسندگان: محمد واثقی بادی<sup>۱</sup>، مهدی بمانی طوئقی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۱/۱۶

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و یکم، شماره ۷۸، بهار ۱۳۹۷

## چکیده

با طلوع انقلاب اسلامی تقابل تاریخی حق و باطل معنای تمدنی به خود گرفت. انقلاب اسلامی در این مواجهه همه‌جانبه، متمسک به ظرفیت‌ها و نهادهای انقلابی و تمدن‌ساز شده است که در بستر تاریخ این انقلاب ظهور و رشد یافته‌اند. بعد از گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی، ضرورت وحدت کارکردی و هماهنگی این ظرفیت‌های تمدن‌ساز هم در مواجهه با تمدن غرب و هم در جهت ساخت یک تمدن منسجم و خالی از التقاط و تعارضات فرهنگی تمدنی در بخش‌های مختلف، هرچه بیشتر احساس می‌شود. لذا در این پژوهش در وهله‌ی اول ظرفیت‌ها و نهادهای تمدن‌ساز انقلاب اسلامی بواسطه روش نظریه پردازي داده بنیاد از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی احصاء و تحلیل کارکردی شدند. سپس ظرفیت‌های تمدنی به دو نوع ظرفیت‌های تمدن‌ساز و ظرفیت‌های وحدت‌بخش تقسیم شدند و براساس الگوی سه مرحله‌ای تمدن‌سازی (تفکر، فرهنگ، تمدن) الگوی نهایی وحدت کارکردی ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی ارائه شد. ظرفیت‌ها و نهادهای تمدن‌ساز شناخته شده شامل مسجد، حسینیه و هیأت‌ها، حوزه علمیه، دانشگاه، خانواده، بسیج مردمی، اجتماعات دینی مردم مانند نماز جمعه، اربعین و غیره و همچنین ظرفیت‌های وحدت‌آفرین شامل مواردی چون ولی فقیه، علم دینی، روحیه بسیجی و غیره می‌شود.

## واژگان کلیدی:

تمدن‌سازی اسلامی، انقلاب اسلامی، ظرفیت تمدنی، وحدت کارکردی، کارکرد تمدنی.

۱. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و سیاستگذاری عمومی دانشگاه امام صادق (ع) vasegh162162@gmail.com

۲. کارشناس ارشد فرهنگ ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) bemani1371@gmail.com

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

با طلوع انقلاب اسلامی تقابل تاریخی حق و باطل سطح تمدنی به خود گرفت. انقلاب اسلامی در این مواجهه همه‌جانبه، متمسک به ظرفیت‌ها و نهادهای انقلابی و تمدن ساز شده است که در بستر تاریخ این انقلاب ظهور و رشد یافته‌اند. «هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی است» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۰/۰۹/۲۱). البته «فرآیند تحقق نظام اسلامی، همین‌طور قدم‌به‌قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود.» (رهبر معظم انقلاب ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) و جمهوری اسلامی دوران گذار از وضعیت نامطلوب تمدنی را به وضعیت مطلوب تمدنی (اسلامی) تجربه می‌کند. انقلاب اسلامی برای رسیدن به این هدف متعالی، ظرفیت‌های تمدنی متناسبی را ایجاد و فعال کرده است. این ظرفیت‌ها حافظ، مقوم و پیش‌برنده انقلاب اسلامی است و انقلاب اسلامی نیز بستر رشد و نمو این ظرفیت‌هاست. بعد از گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی، ضرورت وحدت کارکردی<sup>۱</sup> و هماهنگی این ظرفیت‌های تمدن ساز هم در مواجهه با تمدن غرب و هم در جهت ساخت یک تمدن منسجم و خالی از التقاط و تعارضات فرهنگی تمدنی در بخش‌های مختلف، به شدت احساس می‌گردد.

توضیح اینکه یکی از ویژگی‌های مهمی که برای یک تمدن در نظر گرفته می‌شود و بدون وجود آن دیگر تمدنی قابل تصور نیست، وحدت و انسجام میان عناصر هر تمدن است. این وحدت و انسجام است که ساحت‌های مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی یک تمدن را در مدار مشخص قرار داده و به آن هویت خاصی می‌بخشد و به عبارت دیگر یکی از عوامل تمایز میان تمدن‌ها به چگونگی هماهنگی و انسجام عناصر آن‌ها مربوط می‌شود. (کرمی قهی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵۵)

در واقع اقتضای یک تمدن، آن‌هم تمدنی که در پی اهداف توحیدی است، چنین است که با وجود عناصر و بخش‌های مختلف و متنوع که هر کدام قواعد و روش‌های خاص خود را دارد، همه در یک جهت و مسیر واحد به سوی هدفی یگانه به شکلی هماهنگ و به‌دوراز تشتت انسجام یابند. این امر از جمله اصول مهم برنامه‌ریزی است که در مدیریت اسلامی نیز بر آن تأکید شده است. (مقیمی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲)

وقتی ظرفیت‌های تمدنی انقلاب به شکلی هماهنگ و در مدار وحدتی کارکردی فعال شوند، در این حالت است که نه تنها تعارضی میان رفتار آن‌ها حاصل نمی‌شود بلکه مکمل یکدیگر می‌شوند. در این صورت هر کدام با شناختی که از جایگاه و کارکرد خود دارد، در جهت اهداف مشخص شده حرکت می‌کند و لذا از تداخل کارها و همچنین هدررفت زمان



وانرژی در کارهای غیر لازم جلوگیری می‌شود. اینجاست که اگر هم آسیب و کژکارکردی در این ظرفیت‌ها رخ دهد، بهتر خود را نشان می‌دهد و امکان شناخت آن آسان‌تر می‌شود. در صورت حصول چنین وحدت و هماهنگی است که با گذشت زمان تجربه‌ای به دست می‌آید که بر اساس آن می‌توان به ارزیابی و بازنگری و اصلاح کارکردها پرداخت و در نهایت پیشرفتی که پویایی و حیات یک تمدن را تضمین می‌کند، در مقابل دیدگان خود مشاهده کرد.

با توجه به مقدمه بالا، مسئله اصلی پژوهش حاضر وحدت، هماهنگی و نگاه دستگامی به ظرفیت‌های مختلفی است که با توجه به نیازها و شرایط متفاوت در طول انقلاب اسلامی به وجود آمده‌اند. سؤالات فرعی و جزئی‌تر را می‌توان در سه سؤال خلاصه کرد: ۱- ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی کدام‌اند؟ ۲- کارکرد اصلی هر کدام چیست؟ ۳- الگوی ارتباطی بین این ظرفیت‌ها به چه صورت است؟

## ۲- ادبیات نظری و پیشینه موضوع

### ۲-۱- مفهوم‌شناسی و چهارچوب نظری

#### ۲-۱-۱- ظرفیت

ادبیات رایج در بحث ظرفیت<sup>۱</sup> و ظرفیت‌سازی<sup>۲</sup> که مربوط به قرن اخیر است، اشاره به حکمرانی درست منابع و ارتباطات اجتماعی جهت کارایی و اثربخشی دولت دارد. (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۲۴-۲۶) این مفهوم همچنین تأکید بر مالکیت و روند و روش توسعه‌یافتگی دارد. (Lusthaus, 1999, p2) بعضی دیگر ظرفیت توسعه‌ای را به معنای اهداف توسعه نیز در نظر گرفته‌اند. (Bolger, 2000, p1) رهبر معظم انقلاب حفظه الله بر ظرفیت‌های انقلاب جهت شکوفایی و ایجاد حرکتی مستمر و درون‌زا به سمت تمدن‌سازی اسلامی تأکید بسیاری دارند. به نظر می‌رسد در منظومه فکری ایشان دو معنا از ظرفیت وجود دارد. معنای اول اشاره دارد به امکانات طبیعی، انسانی و سرمایه‌های مادی و علمی و اجتماعی که می‌تواند در توسعه و پیشرفت کشور راهگشا باشند. این ظرفیت‌ها را ظرفیت‌های توسعه‌ای می‌نامیم. (رهبر معظم انقلاب ۱۳۹۳/۰۱/۰۱) (رهبر معظم انقلاب ۱۳۹۴/۰۱/۰۱) معنای دوم که به ادبیات رایج در بحث ظرفیت نزدیک‌تر است، اشاره دارد به اعتبار یا نهادسازی که در جهت آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی به صورت خودجوش در بستر انقلاب اسلامی ایجاد یا تقویت شده‌اند. (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۸/۰۵/۱۲) (رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۹/۰۸/۱۸) این ظرفیت‌ها را ظرفیت تمدنی می‌نامیم که در این مقاله مدنظر است.

1. capacity

2. capacity building یا capacity development



## ۲-۱-۱- ظرفیت تمدنی

ظرفیت تمدنی<sup>۱</sup> با دو مقوله امور اعتباری و نهادها تا حد زیادی رابطه دارد. اعتبار انسانی افکاری است که واسطه بین فعل انسان و نیاز او می‌گردند. (الربیعی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ص ۳۴۵) این نیازها می‌توانند نیازهای فطری یا طبیعی باشند (جوانعلی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۶) و از دو سنخ علم تصویری و تصدیقی تشکیل شده‌اند. مفهوم نهاد نیز دارای دو بُعد مادی (عینی) و معنوی (ذهنی) است که بُعد اول به مکان و بستر خاصی اشاره می‌کند که برای هدفی ساخته شده است مانند مدرسه، بنگاه اقتصادی و غیره و بُعد دوم به هنجارها و قواعد پذیرفته شده اجتماعی اشاره دارد. (قلی‌پور، ۱۳۸۴ ص ۱۸) (اسکات، ۱۳۸۷، ص ۷۱) این دو مفهوم بسیار کمک می‌کند که چیستی ظرفیت تمدنی به خوبی درک شود. لکن با این حال ظرفیت تمدنی در درون خود یک حالت رو به رشد و صیورورتی دارد. در نتیجه می‌توان گفت ظرفیت تمدنی، اعتبار انسانی است که در بستر اجتماعی نهادی شده و عینیت یافته اما هنوز به طور کامل بالفعل نشده است و قابلیت رشد و سازندگی دارد. به طور کلی ظرفیت، به توانایی و نقش اجتماعی یک نهاد مربوط می‌شود. (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۴)

## ۲-۱-۲- کارکرد، وحدت کارکردی و تحلیل کارکردی

«واژه کارکرد در لغت به معنای فایده، انگیزه، قصد و نیت، هدف و غایت و اثر آمده است. (اسماعیلی، ۱۳۸۴، صص ۲۶-۲۷) ایجاد و گسترش مفهوم اصطلاحی کارکرد<sup>۲</sup> را باید در اندیشه‌های جامعه‌شناسان متقدم مانند آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷)، هربرت اسپنسر (۱۸۲۰-۱۹۰۳) و امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) جستجو کرد. مفهوم کارکرد در ادبیات جامعه‌شناسان کلاسیک بر نقش، وظیفه و خدمتی که یک جزء برای کل خود انجام می‌دهد و اثر مثبت (آشکار یا پنهان) یک عنصر بر دستیابی به اهداف نظام بالاتر از خود اشاره دارد. (اسماعیلی، ۱۳۸۴، صص ۲۶-۲۷) (صداقتی فرد، ۱۳۸۴، صص ۱۶۸) بنابراین تعبیر کارکرد را در مواردی می‌توانیم به کار ببریم که:

الف) موضوع مطالعه در شکل دادن به نظامی که یکپارچه است، سهم داشته باشد.  
ب) بتوان آن کل یکپارچه را به مجموعه‌های متمایزی تقسیم کرد. به عبارت دیگر، بتوان از ارتباط اجزا و کل سخن گفت.

ج) اجزاء عناصری باشند که در تحقق بخشیدن به هدفی که برای کل مجموعه تعیین شده است سهم داشته باشند و یا اگر مجموعه هدفمند طراحی نشده است، در حفظ مجموعه در شرایطی پایدار سهیم باشند. (جلائی پور و محمدی، ۱۳۹۲، صص ۸۹)

1. civilizational capacities

2. Function



با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که کارکردگرایی با یک کل‌گرایی و ساختارگرایی همراه است. بر همین اساس مرتون یکی از سه اصلی که نظریه کارکردگرایی بر اساس آن ساخته شده است را وحدت کارکردی می‌داند. (مورگان و بوریل، ۱۳۹۳، صص ۱۴۱) در تفکر دستگاهی عناصر (ظرفیت‌های تمدنی)، ویژگی هر یک (کارکردهای اصلی) و روابط بین عناصر سیستم مشخص می‌گردد. (رضاییان، ۱۳۹۳، صص ۲۹-۴۰) وحدت کارکردی یعنی هماهنگی اجزاء نظام با یکدیگر و هماهنگی اجزاء با کل. البته مرتون وحدت کارکردی مورد نظر پارسونز را مورد نقد قرار داد. (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳، صص ۱۷۶) اما به هر حال هر دستگاهی برای وجود داشتن، نیازمند به وحدت، نظم و تعادلی است که بقاء آن را تضمین می‌کند. (رضاییان، ۱۳۹۳، صص ۶۴) جامعه چه به‌عنوان یک وجود اعتباری و چه به‌عنوان یک وجود حقیقی، وحدت رقیقی دارد و اساساً هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی بر این اساس است که وجود مساوق وحدت است. به عبارتی «ان الوحده مساوق الوجود فکل موجود فهو واحد من جهة انه موجود»<sup>۱</sup> (طباطبایی، ۱۴۳۴ ه.ق، صص ۲۱۳) و از طرفی دوگانه وحدت و کثرت تقابل خارجی ذاتی ندارند بلکه تقابلی مفهومی دارند؛ بنابراین در هر وجودی اصل وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت جاری است. لذا از منظر فلسفه اسلامی نیز اصل وحدت کارکردی برای هر دستگاهی (موجودی) ضروری است.

تحلیل کارکردی<sup>۲</sup> ظرفیت‌ها می‌تواند به فهم دستگاهی و ساختارمند ظرفیت‌های انقلاب اسلامی کمک شایانی نماید. در تحلیل کارکردی نسبت میان یک جزء با جزء دیگر و میان یک جزء و کل سیستم مشخص می‌گردد. (جلائی پور و محمدی، ۱۳۹۲، صص ۷۷) (Davis, 1959:758) البته تحلیل کارکردی شبیه تحلیل علی نیست چرا که اولاً داده کارکردشناسی از داده‌های خام و اولیه است و ثانیاً تصویر پارسونز با تحلیل علی متفاوت است. (Fallding, 1963:7) (Davis, 1959:767) به عبارتی ارتباط علی یکی از ارتباط‌هایی است که در تحلیل کارکردی شناسایی می‌گردد و صرف شناسایی ارتباط متقابل کافی است. بر درمیر مدعی است که در تحلیل کارکردی علاوه بر نقش اجزا باید به شرایط، الگوی ارتباط و پیامدها نیز توجه کرد. (Bredemeier, 1955, p178)

با توجه به تحلیل کارکردی-ساختاری، ظرفیت‌های تمدنی به‌دو نوع ظرفیت باحیثیات متفاوت تقسیم می‌گردند. با نگاه دستگاهی، اجزاء اصلی سیستم تمدن، ظرفیت‌های تمدن ساز و روابط آن ظرفیت‌های وحدت‌بخش خواهد بود. نوع اول، ظرفیت‌های

۱. معنی: وحدت مساوق وجود است و هر موجودی از آن جهت که واحد است، وجود دارد. به عبارتی هر موجود ذی وجودی باید وحدت داشته باشد تا بتواند وجود داشته باشد و فرض وجود همراه است با فرض وحدت برای آن شیء.

2. Functional analysis



تمدنی تمدن ساز هستند که جنبه سازندگی دارند و برای پیشبرد اهداف عالیه انقلاب اسلامی ایجاد شده‌اند. نوع دوم، ظرفیت‌های تمدنی وحدت‌بخش است. ظرفیت‌های تمدنی وحدت‌بخش، کارکرد هماهنگی و حمایتی برای ظرفیت‌های تمدن ساز را دارند. در این مقاله پس از احصاء و بیان هر کدام از این دو نوع ظرفیت تمدنی، جایگاه و نقش آن‌ها در الگوی کلان تمدن سازی اسلامی را بر اساس تحلیل کارکردی نشان خواهیم داد.

### ۲-۱-۳- سیستم اجتماعی تمدن

سیستم اجتماعی در سلسله‌مراتب سیستم‌های بولدینگ جزء شبکه‌های پیچیده سطح بالاتر تلقی می‌شود. (Bouling, 1956, p205) تمدن بالاترین سطح از سیستم اجتماعی است. تمدن از جامعه بزرگ‌تر است و برای همین داری ثبات نسبی است و آهسته‌تر تغییر می‌کند. (پهلوان، ۱۳۸۸، ص ۳۹۱) ویژگی‌های اصلی تمدن از این قرار است: ۱- تمدن خاستگاه عقلانی دارد که گاهی تعبیر به فرهنگ نیز می‌شود ۲- تمدن نظام ساز است و در درون خود نظام‌های سیاسی، اقتصادی و غیره را جای می‌دهد. ۳- تمدن این جهانی<sup>۲</sup> است و جهت رفع نیازهای دنیوی ساخته می‌شود، هر چند ممکن است جهت‌گیری‌های معنوی نیز داشته باشد ۴- میان عناصر مختلف تمدن هماهنگی و وحدت است. (کرمی قهی و همکاران، ۱۳۸۸، صص ۴۰-۵۷) به‌طور کلی تمدن را متشکل از سه عنصر اصلی تفکر و فرهنگ و تمدن تعریف می‌کنند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۴، ص ۴۳) (یامین پور، ۱۳۹۱، ص ۳۳ و ۳۴) در این تعریف منظور از تمدنی که جزئی از نظام تمدن به معنای عام است، ابزارها، نظام‌ها و رفتارها و به عبارتی وجه ظاهری یک تمدن است. در الگو و نظام ارتباطی نهایی از این تعریف استفاده می‌گردد.

در باب چیستی و چگونگی تمدن با نظریات مختلفی از اندیشمندان غربی و اسلامی مواجه می‌شویم. ویل دورانت تمدن را نظمی اجتماعی می‌داند که در پرتو وجود آن خلایق فرهنگی امکان بروز می‌یابد. از نگاه ابن خلدون، تمدن حالت اجتماعی انسان است (ابن خلدون، ۱۳۵۹، ص ۱۸۳) و فرایند آن در انتقال از بدایت تحقق می‌یابد؛ اهل بادیه تنها به لوازم ضروری زندگی توجه می‌کنند؛ ولی شهرنشینان این مرحله را سپری کرده، به بهره‌های غیر ضروری و تجمل در شئون زندگی می‌پردازند، از این رو تمدن نهایت بادیه نشینی است و در پی آن پدید می‌آید. (ابن خلدون، ۱۳۵۹، ص ۱۲۲)

مالک بن نبی متفکر الجزایری تمدن را مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی می‌داند که زمینه را برای بهره‌مندی همه افراد جامعه از بسترهای اجتماعی در مسیر پیشرفت فراهم می‌سازد. (بن نبی، ۲۰۰۹، ص ۵۰) تمدن مجموعه‌ای از روابط بین حوزه مادی -

1. civilization

2. secularism





که کالبد تمدن را پدید می‌آورد و تقویت می‌کند - و حوزه فکری - که روح تمدن در آن زاده می‌شود و رشد می‌یابد - است. (بن نبی، ۲۰۱۵، ص ۴۸) از نظر او آنچه بر تمدن روح می‌بخشد چهار عامل است که در دایره فرهنگ می‌گنجد: رویکرد اخلاقی، رویکرد زیباشناختی، منطق عملی، صنعت.

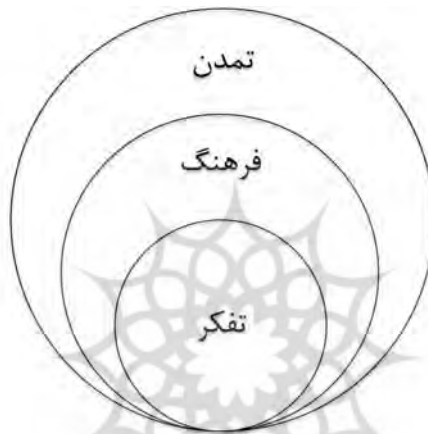
از نظر دکتر علی شریعتی تمدن مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی انسان است. ایشان فرهنگ را وجه معنوی (نه باطنی) تمدن می‌داند. در واقع از نظر ایشان دستاوردهای معنوی مانند علم و هنر جزئی از فرهنگ به‌عنوان وجه معنوی تمدن هستند مثل شعر؛ و سایر دستاوردهای مادی که نیازهای غریزی و طبیعی انسان را برآورده می‌کنند، وجه مادی تمدن هستند مثل صندلی. (شریعتی، ۱۳۵۹، ص ۱ و ۵) تعبیر دکتر داوری اردکانی از تمدن چنین است: تمدن سیر و بسط یک نحوه تفکر و ظهور آثار تفکر در مناسبات افراد و اقوام و در رفتار و کردار و علوم و فنون مردم است. (داوری اردکانی، ۱۳۷۹، ص ۷۲) از نظر ایشان ظاهر فرهنگ، تمدن است. فرهنگ معنا و باطن سنن و آداب است و عین تفکر هنری و فلسفی است. (داوری اردکانی، ۱۳۸۹، ص ۹۳) حبیب‌الله بابایی عناصر مهم تمدن را این گونه تبیین می‌کند: اول اینکه هر تمدن جامعه است ولی هر جامعه‌ای تمدن نیست و هر قدرت سیاسی نیز تمدن به حساب نمی‌آید دوم اینکه هر تمدن دارای خاستگاه عقلانی است و بالاخره هر تمدن دارای مجموعه نظام‌های اجتماعی است. (بابایی، ۱۳۹۳، ص ۳۸-۳۹)

داریوش آشوری فرهنگ و تمدن را دسته‌ای از ویژگی‌ها و دست‌آوردهای جامعه‌های انسانی معرفی می‌کند که با ساز و کارهایی جز ساز و کارهای وراثت زیستی انتقال پذیرند. ویژگی نوع بشر همانا انباشتگی اجتماعی این ویژگی‌هاست که چنین ویژگی‌هایی در موجودات فرو بشری نیست. (آشوری، ۱۳۸۰، ص ۳۶)

در جمع‌بندی باید گفت آنچه در کلیت این نظرات درک می‌شود، رابطه‌ای است که میان تمدن و فرهنگ وجود دارد. برخی آن را در کنار تمدن و برخی آن را باطن تمدن دانسته‌اند؛ و برخی نیز این دو را به یک معنا دیده‌اند؛ اما نظری که ما در این زمینه در تحقیق خود صائب می‌دانیم، نظری است که دکتر فرزاد جهان‌بین در مقاله «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» بیان کرده است. ایشان تمدن را حاصل امتداد فرهنگ و به‌طور عمیق‌تر حاصل عینیت یافتگی و امتداد مبنای شناختی هنجاری است که در آن به سؤالات بنیادین هستی‌شناختی انسان شناختی و معرفت‌شناختی پاسخ داده می‌شود و بر آن اساس ارزش‌ها و نیز هنجارها که نسبت به ارزش‌ها انضمامی‌تر است تعیین می‌گردد.



درواقع بر اساس این نظر، تمدن عینیت یافته فرهنگ و فرهنگ نیز عینیت یافته مبانی هستی شناختی و انسان شناختی و معرفت شناختی است. به بیان دیگر فرایند تکوین یک تمدن بدین گونه است که در وهله اول مبتنی بر مبانی هنجاری که به سؤالات بنیادین پاسخ می دهد، ارزش ها و هنجارهای یک جامعه شکل می گیرد. در مرحله بعد مبتنی بر این مبانی و ارزش ها و هنجارها، مدل های نظری عملی گوناگون تمدن ها تولید می گردد و بر اساس آن نهادها شکل می گیرد. به بیان دیگر این نهادها و ساختارها در پاسخ به احساس نیازی که نظام ارزشی جامعه (فرهنگ) ایجاد کرده است، به وجود می آیند. (Targowski, 2009, p:88)



شکل ۱- فرایند شکل گیری تمدن

تمدن بر اساس مفهومی که از آن بیان شد، مجموعه ای نظام مند و متشکل از اجزا و ساختارهای مختلفی است که در سه حوزه کلی تفکر، فرهنگ و تمدن پراکنده اند. لذا تمدن فی الواقع یک نظام اجتماعی است. برای شکل گیری این نظام اجتماعی لازم است کارکرد عناصر و ساختارهای مختلف تمدن به گونه ای باشد که بین آن ها وحدت و یکپارچگی حاکم شود و میان اجزای مختلف نظام با یکدیگر و با کل نظام یک حالت توازن و تعادل برقرار شود. (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۱۲۰ و ۱۲۲) این نظری است که در علم جامعه شناسی قائلان به نظریه کارکردگرای ساختاری بدان معتقدند و آن را تفصیل داده اند.

## ۲-۲- پیشینه تحقیق

وحدت کارکردی ظرفیت های تمدنی انقلاب اسلامی در نوع خود موضوع جدیدی است. تحقیقاتی که به این موضوع نزدیک بوده اند به مسائلی چون علت رشد روزافزون و فراگیر





گفتمان انقلاب اسلامی و ظرفیت‌های آن (باقری، ۱۳۹۳، صص ۵۹-۸۴)، مرور و بازخوانی اندیشه بزرگان انقلاب اسلامی با موضوع تمدن‌سازی، شناسایی مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی و غیره پرداخته‌اند. در ادامه به مهم‌ترین مقالات علمی-پژوهشی مرتبط و یا نزدیک به موضوع مقاله حاضر اشاره شده است.

جدول شماره ۱- مروری بر پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله

نویسنده (سال) - روش تحقیق	اهداف اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
باقری (۱۳۹۴) روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه	۱- چرایی بسط یابندگی و هم‌مونیک گفتمان انقلاب اسلامی ۲- ظرفیت گفتمان انقلاب اسلامی در اشاعه تمدنی اندیشه و فرهنگ اسلامی	از نظر ایشان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی «هویت اسلامی، انقلاب» است؛ و دال مرکزی تمدن ساز گفتمان انقلاب اسلامی «توسعه و پیشرفته‌متعالیه» است. همچنین گفتمان اصول‌گرایی شیعه که مغایر و نفی‌کننده گفتمان رایج است، قابلیت اشاعه تمدنی این گفتمان را در سطح ملی و جهانی را دارا است. قابلیت راهبردی این گفتمان در عرصه تمدنی ماحصل نقش «عوامل سیاسی و فرهنگی»، «رویه‌های طرد و برجسته‌سازی»، «دست‌رسی» و «اعتبار» است. دوپایه مهم گفتمان انقلاب اسلامی برای پیروزی و تداوم آن، نهضت حسینی و اعتقاد به مهدویت است.
گروه معارف اداره کل پژوهش سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی (۱۳۹۵) مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد و مدارک	۱- مرور مهم‌ترین نظرات در مورد ارکان و مؤلفه تمدن و تمدن‌سازی ۲- بازخوانی نظرات امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) درباره احیای تمدن اسلامی	از یافته‌های این مقاله این است که استقرار جمهوری اسلامی می‌تواند نویدبخش اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی باشد. یکی از مهم‌ترین گام‌های احیای تمدن علاوه بر نفی تمدن غرب، بازیابی و اراده ملت برای احیای هویت خود است. در شرایط فعلی از یک مرحله خلاق به یک مرحله جدید از تمدن اسلامی در حال گذاریم و اینکه این مرحله گذار چه مدت طول می‌کشد نظرات مختلفی بیان شده است لکن انقلاب اسلامی با حفظ خصیصه اساسی خویش که معنویت خواهی و فرهنگی بودن است، مسیر را زودتر خواهد پیمود.
فرهینی‌فراهانی (۱۳۹۵) مطالعه کتابخانه‌ای و اسناد و تحلیل محتوای کیفی	الزامات رسیدن به دولت اسلامی در زنجیره تمدن‌سازی مطرح‌شده توسط رهبر معظم انقلاب الزامات حقیقی و الزامات ابزاری ساخت تمدن اسلامی در سه بعد دانشی، نگرشی و توانشی	مقاله الزامات ابزاری و حقیقی تمدن‌سازی در مرحله دولت اسلامی را در سه بعد دانش، نگرش و توانش مورد توجه قرار داده است. تقدم و ارجحیت بعد حقیقی به بعد ابزاری، استفاده از نگرش دستگامی و نظام‌گرا در هر یک از این سه بعد برای ساخت تمدن اسلامی لازم است. بر همین اساس ایشان پیشنهاد داده است که نقشه جامعه‌مهندسی تمدن اسلامی، تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و الگوهای ناظر به تحقق تمدن اسلامی، ظرفیت‌سازی و پرورش نیروهای کارآمد، رسالت دانشگاهیان و متفکران دینی، سند الگوی بهینه‌سازی در بخش‌های مختلف، توجه به گرایش در کنار توجه به شناخت مورد توجه قرار گیرد.



نویسنده (سال) - روش تحقیق	اهداف اصلی	مهم ترین یافته ها
حجت زاده و سید عبدالحسین زاده (۱۳۸۴) تحلیل اسناد و مدارک تاریخی	شناخت بنیادهای فرهنگی و هویتی انقلاب اسلامی در شناخت تهدیدهای فرهنگی و هویتی مردم ایران در تاریخ معاصر	نگارنده بعد از تعاریف واژگان اصلی و بیان نظام ارزشی دو دوره قبل انقلاب، پیشینه تاریخی و بنیادهای هویتی و فرهنگی ایران را مورد بازشناسی قرار می دهد. انقلاب اسلامی بیش از آنکه بنیادهای سیاسی و اقتصادی داشته باشد دارای بنیادهای فرهنگی است و در این بین ولایت جایگاه محوری دارد که خود ذیل توحید تعریف می شود.
جهان بین و معینی پور (۱۳۹۳) مطالعه کتابخانه ای و تحلیل اسناد و مدارک	تبیین نظر حضرت آیت الله خامنه ای در باب لوازم پیشینی تحقق دولت، جامعه و تمدن اسلامی	یافته های این مقاله نشان می دهد که برای پیمودن سه مرحله نهایی تمدن سازی در نظریه ۵ مرحله ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، چهار گام لازم است که عبارت اند از: تولید نظریه توسط حوزه علمیه، تولید علم توسط دانشگاه، کار بست در سطح خرد توسط گروه های خودجوش نخبگانی و چهارم گفتمان سازی که منجر به تطبیق دولت با چهار چوب های دینی خواهد شد. این فرایند بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است.
فوزی و صنم زاده (۱۳۹۱) روش اسنادی و رویکرد توصیفی - تحلیلی	شناخت دیدگاه امام خمینی درباره تعریف تمدن اسلامی، ویژگی ها و مؤلفه های آن	یافته ها حاکی از آن است که امام راحل (ره) علاوه بر وجه مادی بر وجه نرم افزاری که ابعاد معنوی و انسان سازی تمدن اسلامی است نیز تأکید داشته اند. از دیدگاه ایشان شاخصه های اصلی تمدن عبارت اند از: مذهب، قانون، آزادی، وجود احزاب، استقلال و تقسیم کار.
منتظر القائم و سلیمانی (۱۳۸۸) مطالعه قرآنی	شناسایی معیار حکومت حضرت داوود و سلیمان که عنوان حکومت های مورد رضایت خداوند و تمدن های دینی	بر اساس یافته های این مقاله دولت حضرت داود و سلیمان بر اساس قانون، عدالت گستری، توسعه علمی و خدا باوری بود. در حکومت این دو بزرگوار عدالت مانند سرمایه آیت که توسعه را به وجود می آورد. همچنین توسعه روابط سیاسی با محوریت گسترش توحید بوده است نه با محوریت توسعه منافع مادی.
خواجه سروری، فتحی و اسفندیار (۱۳۹۳) مطالعه کتابخانه ای	شناسایی اصول مبانی لازم برای عملیاتی شدن روند تمدن سازی در انقلاب اسلامی	بر اساس یافته های مقاله حاضر عقلانیت، علم گرایی و معنویت از اصولی است که می تواند تمدن اسلامی را به سرعت به پیش ببرد. این اصول باید در یک منظومه اسلامی و با نگاه اسلامی به انسان مورد تعریف و استفاده قرار گیرد.

همچنین با مرور و مطالعه مقالات اولین همایش تمدن نوین اسلامی دانشگاه شاهد مقالات متناسبی با موضوع تحقیق یافته شد اما به طور اجمالی دو نقیصه کلی گریبان گیر این مقاله ها بوده است. اول اینکه احصاء انجام گرفته کامل و جامع نبوده است و ثانیاً به مسئله وحدت و نظام ارتباطی ظرفیت های انقلاب اسلامی اشاره ای نشده است. (اشکواری



و موسوی، ۱۳۹۴، صص ۱۷-۲۹) (قانع، ۱۳۹۴، صص ۵۳۹-۵۵۸) (شجاعی، ۱۳۹۴، صص ۳۸۰-۴۱۲) (فراهانی فرمهینی، ۱۳۹۴، صص ۱۴۱-۱۵۵) سیستم اجتماعی تمدن اسلامی مانند هر سیستم دیگری زمانی شکل خواهد گرفت که همه ظرفیت‌های نظام اسلامی با توجه به کارکرد اصلی آن‌ها، در جایگاه اصلی خویش به صورت متقابل و هماهنگ در تعامل باشند و مقاله حاضر درصدد ارائه الگویی کلان از وحدت و هماهنگی انواع ظرفیت‌های انقلاب اسلامی است.

### ۳- روش تحقیق

شاید بتوان گفت در چند دهه گذشته، به مرور تأکید بر روش‌شناسی کیفی، جایگزین تفوق و برتری روش‌شناسی کمی شده است به گونه‌ای که هرروزه بر دامنه دانش در این عرصه افزوده می‌شود. (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶، ص ۷۰) یکی از استراتژی‌های تحقیق کیفی، روش نظریه‌پردازی داده بنیاد است. نظریه داده بنیاد، یک‌روال نظام‌مند و کیفی است، جهت تولید نظریه‌ای که یک فرایند، کنش، یا برهم‌کنش را درباره یک موضوع اصلی در سطح مفهوم کلی تشریح کند. (Creswell, 2005, p396) این روش از روش پدیدارشناسی که بر معنای تجربه برای گروهی از افراد تأکید دارد فراتر رفته و بر ایجاد یا کشف یک نظریه تأکید دارد. (کرسول، ۲۰۰۷، ص ۸۵)

نظریه‌پردازی داده بنیاد را ابتدا گلیسر و استراوس<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۰ در کتاب «روش تطبیق مستمر» و سپس به صورت نظام‌مند در سال ۱۹۶۷ با کتاب «کشف نظریه داده بنیاد» بنا نهادند. (ذوالفقاریان و لطیفی، ۱۳۹۰، ص ۴۲) در این روش کاملاً استقرایی، خلق نظریه مبتنی بر داده در دستور کار قرار می‌گیرد. (نیومن، ۲۰۰۶، ص ۳۲۲) رویکرد به کار گرفته شده در این تحقیق رویکرد توصیفی گلیزر<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) با عنوان رویکرد نوخاسته یا نوظهور است که در آن از ضمن استفاده از رویکرد نظام‌مند، نقش پژوهشگر را در تولید نظریه نهایی بیشتر می‌کند. در روش‌های کیفی یکی از مهم‌ترین مراحل کدگذاری است. در روش نظریه داده بنیاد نظام‌مند استراوس و کوربین<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) سه نوع کدگذاری پیشنهاد داده شده است:

۱- کدگذاری باز: فرایند خرد کردن، آزمون، مقایسه، مفهوم‌سازی و طبقه‌بندی داده‌ها را کدگذاری باز می‌نامند. محصول کدگذاری، مفاهیم هستند که در ادامه در قالب مقوله‌ها گروه‌بندی می‌شوند.

۲- کدگذاری محوری: در این قسمت با روش مقایسه مستمر<sup>۴</sup> ارتباط بین مفاهیم مشخص می‌شود.

1. Glaser & Strauss
2. Glaser
3. Strauss & Corbin
4. Constant comparative method



۳- کدگذاری انتخابی: به فرایند انتخاب مقوله اصلی از میان مقوله‌ها و ارتباط داده آن با سایر مقوله‌ها برمی‌گردد. (استراوس و کوربین ۱۹۹۰: ۱۱۶) (کرسول، ۲۰۰۷، ص ۸۸) این کدگذاری سطوح مختلف کدگذاری روش داده بنیاد را نشان می‌دهد. با این حال همه پژوهشگرانی که از نظریه داده بنیاد استفاده می‌کنند این سه نوع کدگذاری در تحلیل داده‌ها رابه کار نمی‌برند (Bryman, 2015: 580) ولی در هر حال این روش بر مقایسه داده‌ها و فرایند غیر خطی برای احصاء مفاهیم، مقوله‌ها و در نهایت الگوی مطلوب تأکید دارد. (ynonne, 2001: 657-658)

بر اساس این روش، نظریه سه مرحله‌ای تمدن سازی (تفکر، فرهنگ، تمدن) انتخاب گردید. با استفاده کلید واژگان تخصصی از طریق سایت [Khamenei.ir](http://Khamenei.ir) مهم‌ترین ظرفیت‌های انقلاب اسلامی شناسایی و انتخاب شدند و سپس با مرور فیش‌ها سخنرانی‌های مربوطه، از سال ۱۳۶۷ تا بهار ۱۳۹۶، فیش‌برداری و کدگذاری باز صورت پذیرفت. سپس مفاهیم اصلی و بعد از آن مقوله محوری هر یک از ظرفیت‌های تمدنی به دست آمد. با توجه به ادبیات تحلیل کارکردی-ساختاری، در یک سیستم علاوه بر اجزای تشکیل دهنده اصلی، عناصر با کارکرد ارتباط دهنگی نیز می‌بایست وجود داشته باشند تا وحدت‌بخش آن سیستم باشند. لذا در وهله اول ظرفیت‌های تمدنی شناخته شده به دو نوع ظرفیت‌های تمدن ساز و ظرفیت‌های وحدت‌بخش طبقه‌بندی شدند و سپس هر یک از ظرفیت‌های تمدنی از طریق فرایند کدگذاری باز، شناسایی مفاهیم و در نهایت استنباط مقوله محوری، تحلیل کارکردی شدند. مقوله محوری کارکرد اصلی و جایگاه ارتباطی هر یک از ظرفیت‌های تمدنی را نشان خواهد داد. در نهایت بر اساس نظریه سه مرحله‌ای تمدن سازی، الگوی وحدت کارکردی ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی به دست آمد.

#### ۴- یافته‌ها

##### ۴-۱- تحلیل کارکردی ظرفیت‌های تمدن ساز

بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب که خود ظرفیت فرا حوزه‌ای در نظام اسلامی هستند، مورد تحلیل قرار گرفت تا بتوانیم ظرفیت‌ها و کارکردهای اصلی آن‌ها را استخراج کنیم. در ادامه بعد از نمایش نمونه‌ای از فیش‌برداری و کدگذاری باز و استخراج مفاهیم (جدول شماره ۱)، کارکرد اصلی هر یک از ظرفیت‌های تمدن ساز تحت عنوان مقوله محوری به دست آمده است. (جدول شماره ۲)



جدول ۲- نمونه از فیش برداری با روش داده بنیاد

کد فیش	ظرفیت تمدن ساز	متن منتخب فیش	کدگذاری باز	مفاهیم
۵۳	اجتماعات معنوی (نماز جمعه، نماز عید فطر، اربعین و...)	صرف کنار هم قرار گرفتن جسم‌ها در نماز، برای پیغمبر مایه شرف است؛ برای امت اسلامی مایه اعزاز و احترام است. اجتماع حج همین جور است. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین اجلاس وحدت اسلامی ۱۳/۱۰/۱۳۹۳)	مایه اعزاز و احترام امت اسلامی	شرف و اعزاز و اکرام جامعه مسلمان، اتحاد و انسجام و معاشرت میان آحاد، آگاهی بخشی و بصیرت دهی به جامعه مسلمان، حرکت به سمت اهداف بزرگ و اصلاح جامعه اسلامی
۵۴		نماز جمعه ترکیبی از بیان حقایق معنوی و اسلامی، حضور غیردستوری مردم در این صحنه و مرتبط با حکومت اسلامی است. (دیدار ائمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب ۱۸/۰۶/۱۳۹۲)	خودجوشی و اتحاد درونی مردم	
۵۲		بینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی حتی جسم‌ها در کنار هم قرار می‌گیرد، این جور انعکاس پیدا می‌کند. اگر ما باهم باشیم... بینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد؛ چه عزتی برای اسلام درست خواهد شد! وحدت؛ وحدت. (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین اجلاس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۹/۱۰/۹۳)	عزت اسلام	
۱۸	حوزه علمیه	مجموعه عظیم حوزه علمیه قم که خود پدیدآورنده این انقلاب و زمینه‌ساز پیروزی آن و پشتیبان و پشتوانه معنوی آن در طول سال‌های گذشته بوده است و ان‌شاءالله همواره خواهد بود. (بیانات در دیدار طلاب مدرسه فیضیه ۱/۱۲/۱۳۷۰)	پشتیبان معنوی انقلاب اسلامی	پشتیبانی معنوی و فکری تمدن اسلامی، سازندگی علم و انسان‌های علمی، فرهنگی و سیاسی کارآمد
۱۷		امروز سرنوشت روحانیت و سرنوشت اسلام در این سرزمین، وابسته و گره‌خورده به سرنوشت نظام اسلامی است. (بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۲۹/۷/۱۳۸۹)	اتصال قوی با نظام اسلامی	
۲۲		حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، برای نظام دل بسوزانند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند؛ و این درست عکس آن چیزی است که سیاست سرویس‌های امنیتی انگلیس و آمریکا و اسرائیل و دیگران و دیگران دنبال می‌کنند. (بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی ۱۹/۰۷/۹۱)	سربازان نظام اسلامی	



جدول شماره ۳- فهرست جمع‌بندی شده مفاهیم و مقوله‌های ظرفیت‌های تمدن ساز

ردیف	ظرفیت تمدن ساز	مفاهیم	مقوله محوری
۳	ظرفیت جهاد سازندگی	خدمت‌رسانی مادی و معنوی به اقشار محروم، ترویج روحیه انقلابی و فرهنگ کار جهادی	کارکرد تمدن ساز در حوزه تمدن
۵	ظرفیت حوزه علمیه	پشتیبانی فکری و معنوی نظام اسلامی، تربیت علمی، معنوی و سیاسی انسان‌های کارآمد برای نظام اسلامی	کارکرد تمدن ساز در حوزه تفکر
۸	ظرفیت رسانه ملی	خنثی‌سازی و تهاجم در مقابل فرهنگ و اندیشه بیگانه، حفظ استقلال فکری و عملی ملت ایران با ارائه فرهنگ و اندیشه و هنر خودی، اصیل و غنی	کارکرد تمدن ساز در حوزه فرهنگ

## ۴-۲- تحلیل کارکردی ظرفیت‌های تمدنی وحدت‌بخش

توجه به این اصل بنیادین ضرورت دارد که فعالیت‌های مسلمانان دارای وحدتی لایتجزا است؛ و به‌عنوان فعالیت‌های این دنیایی و آن دنیایی تقسیم‌بندی نمی‌شود. (نقی زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۳) لذا بر اساس نگرش دستگامی لازم است در کنار ظرفیت‌های تمدن ساز، ظرفیت‌های وحدت‌بخش نیز بررسی شوند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد ظرفیت‌های وحدت‌بخش ظرفیتی هستند که خاصیت وحدت‌بخشی و هماهنگی برای ظرفیت‌های تمدن ساز خواهند داشت. در قسمت ظرفیت‌های وحدت‌بخش علاوه بر بیانات رهبر معظم انقلاب حفظه الله، لازم شد برای غنای تحلیل کارکردی به مقالات و پژوهش‌های مرتبط نیز مراجعه شود. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در جدول ۳ نمونه از فیش‌برداری ظرفیت‌های وحدت‌بخش و در جدول ۴ جمع‌بندی مقوله ظرفیت‌های وحدت‌بخش ارائه شده است.

جدول ۴- نمونه فیش‌برداری ظرفیت‌های وحدت‌بخش

کد فیش	ظرفیت وحدت‌بخش	متن منتخب فیش	کدگذاری باز	مفاهیم
۱۰۴	ولی فقیه و رهبری	دامنه فرمان‌ها او علاوه بر احکام اولیه و ثانویه، شامل احکام حکومتی نیز می‌شود. مطلقه به معنای حکومت توتالیتریسم و استبدادی نیست، بلکه منظور این است که تصرفات او دارای شمول نسبی است و جز مصالح عمومی که محدوده تصمیم‌گیری ولی فقیه است، هیچ‌چیز و هیچ‌کس نمی‌تواند این ولایت را محدود کند: زیرا این ولایت، ادامه ولایت و امامت امامان معصوم است: ولایت ایشان نیز جز مصالح عمومی جامعه مسلمین، محدود به حدی نبوده است. (اصلائی و بحرودی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۱)	مصالح عمومی، ولایت مطلقه فقیه، احکام اولیه و ثانویه	تشخیص مصالح عمومی، پیوند عقیدتی با آحاد ملت، حفظ و سیاست‌گذاری کلی نظام



کد فیش	ظرفیت و وحدت‌بخش	متن منتخب فیش	کدگذاری باز	مفاهیم
۱۰۵	ولی فقیه و رهبری	بر اساس نظریه ولایت‌فقیه، حاکم اسلامی موظف است در تصمیم‌گیری‌های خود مصلحت جامعه اسلامی را در نظر بگیرد و با توجه به آن‌ها برای پیشبرد اهداف حکومت اسلامی تصمیم‌گیری نماید. (شبان نیا و قربانی، ۱۳۹۲، ص ۵۳)	مصلحت جامعه اسلامی، پیشبرد اهداف حکومت اسلامی	تشخیص مصلحت عمومی، پیوند عقیدتی با آحاد ملت، حفظ و سیاست‌گذاری کلی نظام
۱۰۹		ولایت، چطور حکومتی است؟ ولایت، حکومتی است که در آن، شخص حاکم با آحاد مردم دارای پیوندهای محبت‌آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است. (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاع-۱۳۷۹/۰۱/۶)	پیوند عاطفی و عقیدتی	
۱۱۷	فلسفه اسلامی با تأکید بر مکتب صدرالمتألهین	مکتب فلسفی صدرالمتألهین همچون شخصیت و زندگی خود او، مجموعه درهم‌تنیده و به وحدت رسیده چند عنصر گران‌بها است. در فلسفه او از فاخرترین عناصر معرفت یعنی عقل منطقی و شهود عرفانی و وحی قرآنی، در کنار هم بهره گرفته‌شده و در ترکیب شخصیت او تحقیق و تأمل برهانی و ذوق و مکاشفه عرفانی و تعبد و تدین و زهد و انس با کتاب و سنت، همه باهم دخیل گشته و در عمر علمی پنجاه‌ساله او رحلت‌های تحصیلی به مراکز علمی روزگار، با مهاجرت به کهک قم برای عزلت و انزوا و با هفت نوبت پیاده احرامی حج شدن، همراه گردیده است. (پیام به کنگره بزرگداشت ملاصدرا ۱۳۷۸/۰۳/۰۱)	وحدت عقل، عرفان، قرآن در مکتب فلسفی ملاصدرا	فلسفه مبنای تمدن‌سازی، شایستگی فلسفه صدرایی برای تأمین پایه‌ها و مبنای فکری تمدن اسلامی
۱۱۸		هیچ فرهنگ و تمدنی بدون چنین پایه مستحکم و قابل قبولی نمی‌تواند بشریت را به فلاح و استقامت و طمأنینه روحی برساند و زندگی او را از هدفی متعالی برخوردار سازد؛ و چنین است که به گمان ما فلسفه اسلامی به‌ویژه در اسلوب و محتوای حکمت صدرایی، جای خالی خویش را در اندیشه انسان این روزگار می‌جوید و سرانجام آن را خواهد یافت و در آن پابرجا خواهد گشت. (پیام به کنگره بزرگداشت ملاصدرا ۱۳۷۹/۰۳/۰۱)	فلسفه پایه مستحکم فرهنگ و تمدن، حکمت صدرایی دارای ظرفیت اشاعه جهانی	





کد فیش	ظرفیت وحدت بخش	متن منتخب فیش	کدگذاری باز	مفاهیم
۱۱۹	فلسفه اسلامی با تأکید بر مکتب صدرالمتهلین	همان گونه که فلسفه صدرایی - که خود او به حق آن را حکمت متعالیه نامیده - در هنگام پیدایش خود، نقطه اوج فلسفه اسلامی تا زمان او و ضربه‌ای قاطع بر حملات تخریبی مشککان و فلسفه ستیزان دوران میانه اسلامی بوده است، امروزه پس از بهره‌گیری چهارصدساله از تنقیح و تحقیق برجستگان علوم عقلی و نقد و تبیین و تکمیل در حوزه‌های فلسفه و ورز یافتن با دست توانای فلاسفه نامدار حوزه‌های علمی به‌ویژه در اصفهان و تهران و خراسان، نه تنها استحکام بلکه شادابی و سرزندگی مضاعفی گرفته و می‌تواند در جایگاه شایسته خود در بنای فرهنگ و تمدن، بایستد و چون خورشیدی در ذهن انسان‌ها بدرخشد و فضای ذهنی را تابناک سازد. (پیام به کنگره بزرگداشت ملاصدرا ۱۳۸۰/۰۳/۰۱)	فلسفه صدرایی نقطه اوج فلسفه اسلامی، شایستگی در بنای فرهنگ و تمدن اسلامی	فلسفه مبنای تمدن سازی، شایستگی فلسفه صدرایی برای تأمین پایه‌ها و مبانی فکری تمدن اسلامی

جدول ۵- فهرست جمع‌بندی شده مفاهیم و مقولات ظرفیت‌های تمدنی وحدت بخش

ردیف	ظرفیت وحدت بخش	مفاهیم	مقوله محوری
۱	ولی فقیه و رهبری	تشخیص مصلحت عمومی، پیوند عقیدتی با آحاد ملت، حفظ و سیاست‌گذاری کلی نظام	کارکرد وحدت بخش فرا حوزه‌ای
۲	قرآن کریم	وحدت بخش تفکر و فرهنگ امت اسلامی، مایه عزت امت اسلامی، وحدت بخش نمودهای تمدن اسلامی	کارکرد وحدت بخش حوزه‌های تفکر و فرهنگ
۳	ظرفیت مسجد	مرکز درآمیختگی ذکر و نیایش با فعالیت‌های اجتماعی، پایگاه معرفت و روشنگری و مقاومت فرهنگی محله‌ها	کارکرد وحدت بخش در حوزه فرهنگ و تمدن
۴	علم دینی (جنبش نرم‌افزاری و علوم انسانی اسلامی)	لزوم تولید علم دینی و علوم انسانی اسلامی، ارتباط دهندگی نخبگان، وحدت حوزه و دانشگاه، هوای تنفسی نخبگان مختلف کشور	کارکرد ربط دهندگی بین حوزه‌ها

### ۳-۴- الگوی وحدت کارکردی ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی

قبلاً بیان شد که تمدن از تباطو بین علم و عمل است و در این فرایند سه مرحله تفکر (علم)، فرهنگ، تمدن متصور است. حوزه تفکر متشکل از مبانی فکری و فلسفی و علمی یک تمدن است و ظرفیت‌هایی مسئول تولید و ترویج فکر و علم در این بخش هستند. حوزه



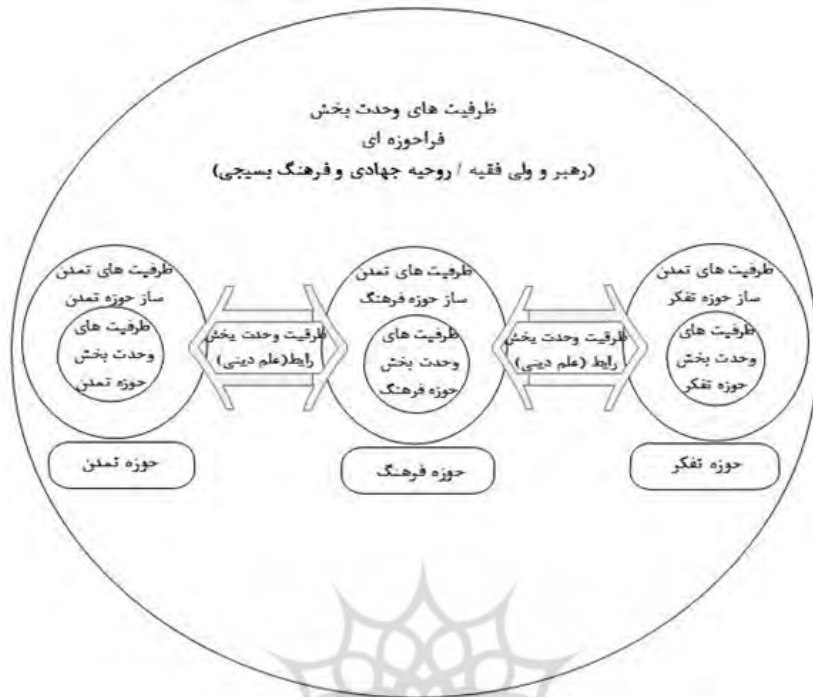
فرهنگ، عقاید و نظام ارزشی و هنجاری یک ملت را که مبتنی بر مبانی و تولیدات حوزه تفکر است، به نمایش می‌گذارد. حوزه تمدن مربوط به ابزارها و نهادهای عینی در درون یک نظام تمدنی است که در پاسخ به نیازی است که مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های حوزه فرهنگ در جامعه احساس می‌شوند.

در هر یک از حوزه‌های تمدن‌سازی یک هسته محوری وجود دارد که ظرفیت‌های تمدنی وحدت‌بخش در آن جای می‌گیرند و ظرفیت‌های تمدن‌ساز، در لایه بعدی اطراف این محور قرار می‌گیرند. کارکرد ظرفیت‌های هسته وحدت‌بخش به نحوی است که جهت‌گیری و خط‌مشی کلی ظرفیت‌های تمدن‌ساز حوزه مربوط به خود را مشخص می‌کنند. به‌عنوان مثال قرآن کریم به‌عنوان ظرفیت وحدت‌بخش حوزه تفکر ارزش‌های بنیادین و جهت‌گیری‌های اصلی تولید دانش بومی و اسلامی را برای ظرفیت‌های تمدن‌ساز حوزه تفکر مانند دانشگاه، حوزه و مدرسه و غیره فراهم می‌آورد.

لازم است ظرفیتی وحدت‌بخش بین حوزه‌های سه‌گانه تمدن‌سازی ارتباط و اتصال ایجاد کند، این کارکرد را ظرفیت وحدت‌بخش علم دینی بر عهده دارد. علم دینی با تولید گزاره‌های ارزشی و اعتباری مبتنی بر گزاره‌های بنیادین، بین حوزه تفکر و فرهنگ ارتباط و اتصال ایجاد می‌کند. در مرحله بعد باز ظرفیت علم دینی است که نظریه‌پردازی مبتنی بر نظام ارزشی ناشی از حوزه فرهنگ، نهادها و ابزارهای حوزه تمدن را شکل می‌دهد. کارکرد برخی ظرفیت‌های وحدت‌بخش به‌گونه‌ای است که همه حوزه‌های تمدن‌سازی و بالطبع تمام ظرفیت‌های تمدنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین قابلیت‌هایی را در دو ظرفیت وحدت‌بخش یعنی ظرفیت ولی فقیه به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی و دیگری ظرفیت روحیه جهادی و فرهنگ بسیجی مشاهده می‌کنیم. برای مثال ولی فقیه با تعیین سیاست‌های کلی نظام خط‌مشی کلی ظرفیت‌ها و نهادها را در سه حوزه تفکر، فرهنگ و تمدن مشخص می‌کند.

درنهایت الگوی وحدت کارکردی ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی بدین شکل نمود می‌یابد:





شکل ۲- الگوی وحدت کارکردی ظرفیت های تمدنی انقلاب اسلامی

**ظرفیت های وحدت بخش حوزه تفکر:** ظرفیت هایی مانند قرآن کریم، فلسفه اسلامی (با تأکید بر فلسفه صدرای) در این قسمت قرار می گیرند. وظیفه اصلی این ظرفیت ها ارائه جهت گیری های اصلی علم و مبانی کلان تولید دانش در تمدن اسلامی است.

**ظرفیت های تمدن ساز حوزه تفکر:** ظرفیت وحدت بخش، ظرفیت مدرسه، ظرفیت حوزه های علمیه، ظرفیت نظریه وحدت حوزه و دانشگاه، ظرفیت مدرسه، ظرفیت وظیفه و کارکرد اصلی این ظرفیت ها، حفظ ارتباط وثیق و مستمر خود با ظرفیت های وحدت بخش حوزه تفکر و همچنین فعالیت در کارکرد اصلی خود، بدون تعرض به کارکردهای دیگر ظرفیت های این حوزه خواهد بود.

**ظرفیت های وحدت بخش حوزه فرهنگ:** در هسته وحدت بخش حوزه فرهنگ در سطح خرد ظرفیت مسجد و در سطح کلان ظرفیت قرآن کریم قرار می گیرند. مسجد در سطح محله و شهر و قرآن کریم در سطح کشور و امت اسلامی وحدت بخش عناصر فرهنگی تمدن سازی خواهد بود.

**ظرفیت های تمدن ساز حوزه فرهنگ:** در اطراف هسته وحدت بخش حوزه فرهنگ،



ظرفیت‌های تمدن‌سازی مانند ظرفیت هیئت و حسینیه، ظرفیت اعتاب و امام‌زادگان، ظرفیت فرهنگسرا، ظرفیت اجتماعات معنوی، ظرفیت ورزش‌های بومی و همگانی، ظرفیت بسیج قرار می‌گیرند.

**ظرفیت‌های وحدت‌بخش حوزه تمدن:** در هسته وحدت‌بخش حوزه تمدن در سطح خرد ظرفیت مسجد و در سطح کلان ظرفیت سیاست‌ها کلان و اسناد بالادستی نظام ملاحظه شده‌اند. هماهنگی اجرایی و ایجاد وحدت رویه در ارگان‌های مختلف نظام کارکرد اصلی این دو ظرفیت در این قسمت است.

**ظرفیت‌های تمدن‌ساز حوزه تمدن:** ظرفیت‌های تمدن‌ساز حوزه تمدن شامل ظرفیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ظرفیت جهاد سازندگی، ظرفیت بسیج، ظرفیت معماری اسلامی می‌گردد. وظیفه اصلی این قسمت کمک به ایجاد دولت اسلامی است که مرحله سوم از پنج مرحله تمدن‌سازی از منظر رهبر معظم انقلاب حفظه الله عنوان شده است.

## ۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

### ۵-۱- بحث

انقلاب اسلامی یک ضرورت همیشگی به سوی آرمان‌های بلند انسانی و اسلامی است. برای نیل به بزرگ‌ترین آرمان انقلاب اسلامی که همانا ایجاد تمدن نوین اسلامی است، ظرفیت‌های تمدنی در طول این چند دهه از عمر انقلاب ایجاد شده و برخی نیز فعال و تقویت شده‌اند. هدف اصلی این پژوهش ارائه الگوی از وحدت، هماهنگی و چینش جبهه‌های این عناصر و ظرفیت‌های فعال انقلاب اسلامی بوده است. چون هریک از این ظرفیت‌ها کارکرد متمایزی را پی می‌گیرد، هماهنگی و ارتباط ارگانیک میان آن‌ها را وحدت کارکردی ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی نامیدیم. هر چند تاکنون پژوهش‌های زیادی در رابطه با مفهوم و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی صورت گرفته است، ولی هیچ‌کدام از آن‌ها این مسئله را مطرح نظر خود به‌طور مشخص قرار نداده‌اند و پژوهش حاضر سعی نمود جای خالی ارائه تصویری نظام‌مند از عناصر و ظرفیت‌های تمدنی را پر کند. مفاهیم، راهبردها و اصول به‌دست‌آمده از پژوهش‌های گذشته می‌توانند زمینه توصیف تفصیلی هریک از عناصر و ظرفیت‌های تمدنی پژوهش حاضر را فراهم کنند. در این بین مقایسه نتایج این مقاله با پژوهش جهان‌بین و معینی پور (۱۳۹۳) می‌تواند فهم دستگاهی کاملی از تمدن‌سازی اسلامی ارائه کند که در قسمت پیشنهادها به آن اشاره خواهد شد.

از آنجا که تمدن یک نظام اجتماعی است که متشکل از سه حوزه تفکر، فرهنگ و تمدن (ساختار) است، باید میان عناصر و اجزای مختلف آن که در این سه حوزه پراکنده‌اند،



هماهنگی و انسجام وجود داشته باشد. این وحدت و انسجام زمانی حاصل می‌شود که کارکرد هر یک از این عناصر در هماهنگی و وحدت با یکدیگر و با کل نظام تنظیم شود که این امر نیازمند تحلیل کارکردی است. بر این اساس برای شناسایی و استخراج اصلی‌ترین کارکرد ظرفیت‌های تمدن‌ساز به یکی از ظرفیت‌های تمدنی اصیل انقلاب یعنی ولایت فقیه مراجعه شد و با مطالعه به روش داده‌بنیاد بیانات رهبر معظم انقلاب حفظه الله، کارکردهای اصلی هر یک از ظرفیت‌ها به دست آمد. در نهایت با نگرش دستگامی ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی تحلیل کارکردی شد و نظام ارتباطی آن‌ها در الگوی سه مرحله‌ای تمدن‌سازی مشخص گردید.

### ۵-۲- نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که با استفاده از نگرش دستگامی و تحلیل کارکردی ظرفیت‌ها، می‌توان آن‌ها را به دو نوع ظرفیت‌های وحدت‌بخش و ظرفیت‌های تمدن‌ساز تقسیم کرد. ظرفیت‌های وحدت‌بخش نیز به سه نوع ظرفیت‌های محوری هر حوزه، ظرفیت‌های رابط و ظرفیت‌های فرا حوزه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند. در هر یک از حوزه‌های سه‌گانه تمدن‌سازی ظرفیت‌های وحدت‌بخش محوری در هسته مرکزی و ظرفیت‌های تمدن‌ساز اطراف آن قرار می‌گیرند. به طوری که هسته مرکزی با همه ظرفیت‌های تمدن‌ساز اطراف خود مراد کرده کارکردی داشته و نقش ظرفیت رابط (علم دینی) نیز ارتباط و اتصال بین حوزه‌های سه‌گانه تمدن‌سازی است. ظرفیت‌های فرا حوزه‌ای نیز با هر سه حوزه ارتباط و تعامل دارند و جهت‌گیری و خط‌مشی کلی را نشان می‌دهند.

### ۵-۳- پیشنهادها

نتایج این تحقیق و الگویی که ارائه شد، قابلیت و ظرفیت بالایی در بسط نظری دارد و هم‌چنین دارای اثرات مهم کاربردی نیز است، لذا پیشنهادهایی برای توسعه نظری و کاربردی آن ارائه می‌گردد:

- بسط نظری و ارائه الگوی تفصیلی وحدت‌کارکردی در هر یک از حوزه‌های سه‌گانه تمدن‌سازی (تفکر، فرهنگ، تمدن)
- تطبیق الگوی وحدت‌کارکردی ظرفیت‌های تمدنی در مرحله دولت اسلامی و جامعه اسلامی بر اساس یافته‌های پژوهش جهان‌بین و معینی پور (نظریه پنج مرحله‌ای رهبر معظم انقلاب)
- تنظیم و ارزیابی چشم‌انداز و بیانیه رسالت هر یک از ارگان‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی بر اساس الگوی وحدت‌کارکردی ظرفیت‌های تمدنی



- شناسایی موانع تحقق وحدت کارکردی در هر یک از ظرفیت‌های تمدنی و حوزه‌های تمدن‌سازی
- تبیین نقش و کار ویژه رشته‌های مختلف دانشگاهی (اعم از فنی، پزشکی و علوم انسانی) در راستای تحقق الگوی وحدت کارکردی ظرفیت‌های تمدنی

## ۶- فهرست منابع

### ۶-۱- منابع فارسی

#### الف) کتاب‌ها

۱. آزادارمکی، تقی، (۱۳۹۳)، «مکتب‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی»، تهران، نشر علم
۲. آشوری، داریوش، (۱۳۸۰)، «تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ»، چاپ اول (ویراست سوم)، تهران، نشر آگاه
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۳۵۹)، «مقدمه»، ج ۱، به کوشش علی عبدالواحد، قاهره، دار نهضة مصر
۴. اسکات، دبلیور. ریچارت، (۱۳۸۷)، «نهادهای سازمان‌ها»، ترجمه مینا دده‌بیگی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)
۵. الربیعی، صباح، (۱۴۲۸ ه.ق)، «مجموعه رسائل العلامة الطباطبائی»، قم، مکتبه الفدک الاحیاء تراث
۶. بابایی، حبیب‌الله، (۱۳۹۳)، «کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن»، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۷. بن نبی، مالک، (۲۰۱۵)، «شروط النهضة»، دمشق، دارالفکر
۸. بن نبی، مالک، (۲۰۰۹)، «مشکلة الافکار فی العالم الاسلامی»، بیروت، دارالفکر
۹. پهلوان، چنگیز، (۱۳۸۸)، «فرهنگ و تمدن»، تهران، نشر نی
۱۰. جلائی پور، حمیدرضا، محمدی، جمال، (۱۳۹۲)، «نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی»، چاپ ۴، تهران، نشر نی
۱۱. جمعی از نویسندگان: محمد تقی کرمی قهی، حبیب‌الله بابایی، احمد رهدار، رضا خراسانی، ۱۳۸۸، «جستارهای نظری در باب تمدن»، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۱۲. دانایی فرد، حسن، حسینی، سید یعقوب، فانی، علی اصغر، (۱۳۹۲)، «ظرفیت‌های خط‌مشی گذاری عمومی؛ کلید توسعه یافتگی ملی»، انتشارات صفار، تهران
۱۳. داوری اردکانی، رضا، (۱۳۷۹)، «اتوبی و عصر تجدید»، تهران، ساقی
۱۴. داوری اردکانی، رضا، (۱۳۸۹)، «تمدن و تفکر غربی»، تهران، ساقی



۱۵. ذوالفقاریان، محمدرضا، لطیفی میثم، (۱۳۹۰)، «نظریه پردازی داده بنیاد با نرم افزار **nvivoB**»، چاپ اول، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)
۱۶. رضاییان، علی، (۱۳۹۳)، «تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم»، چاپ شانزدهم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)
۱۷. ریتزر، جورج، (۱۳۷۴)، «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی
۱۸. شفیعی سروستانی، اسماعیل، (۱۳۸۴)، «استراتژی انتظار»، تهران، موعود عصر
۱۹. شریعتی، علی، (۱۳۵۹)، «تاریخ تمدن»، ج ۱، تهران، قلم
۲۰. صداقتی فرد، مجتبی، (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی (کلیات، مفاهیم، پیشینه)»، تهران، نشر اسبازان
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۳۴ ه.ق)، «نهایه الحکمه»، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه
۲۲. قلی‌پور، آرین، (۱۳۸۴)، «نهادها و سازمان‌ها (اکولوژی نهادی سازمان)»، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
۲۳. کرسول، جان دبلیو، (۲۰۰۷)، «پویای کیفیت و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد»، مترجم: دانایی فرد حسن و کاظمی حسین، تهران، انتشارات صفار اشراقی
۲۴. مقیمی، سید مهدی، (۱۳۹۵)، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، چاپ سوم، تهران، نشر راه‌دان
۲۵. مورگان و بوریل، (۱۳۹۳)، «نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان»، ترجمه محمدنوروزی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)
۲۶. نیومن، ویلیام لاورنس، (۱۳۹۳)، «روش‌های پژوهش اجتماعی، رویکردهای کمی و کیفی»، مترجمان: فقیهی، ابوالحسن، آغاز، غسل، چاپ دوم، جلد دوم، تهران، انتشارات ترمه با همکاری انجمن علم مدیریت ایران
۲۷. وحید یامین پور، (۱۳۹۱)، «گفتارهایی در زمانه‌شناسی، گفتار تفکر، فرهنگ، تمدن؛ ظهور و سقوط»، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع)

## ب) مقالات و پایان‌نامه‌ها

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، «تأملی جامعه‌شناختی در بررسی ویژگی‌های فرهنگی بسیجی»، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۱۵، صص ۸۸-۹۰
۲. اشکواری، محمدجعفر، موسوی، سیده زهرا، (۱۳۹۴)، «عوامل و زمینه‌های احیاء تمدن اسلامی در گفتار رهبر معظم انقلاب»، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن اسلامی، صص ۱۲۹-۱۳۰
۳. اسماعیلی، علی، (۱۳۸۴)، «کارکرد استراتژی جنبش نرم‌افزاری در توسعه کشور و تداوم انقلاب اسلامی»، مصباح، سال چهاردهم، ش ۵۶، صص ۵-۴۲





۴. اصلانی، فیروز، بحرودی، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، «ولایت فقیه قانون اساسی مسئله مشروعیت»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۳، صص ۲۰۹-۲۳۶
۵. ایمان، محمد تقی، نوشادی، محمودرضا، (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۵-۴۴
۶. باقری، شهلا، (۱۳۹۳)، «ظرفیت تمدن سازی گفتمان انقلاب اسلامی»، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی، شماره ۵، صص ۵۹-۸۴
۷. بنافی، مسعود، نوروزی، محمد، (۱۳۹۲)، «تحلیلی آسیب شناسانه از ترجمان اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌های عملیاتی: ملاحظات سیاستی»، برنامه‌ریزی و بودجه، سال هجدهم، شماره ۱۲۳، صص ۱۶۱-۱۹۵
۸. جوان آراسته، حسین، (۱۳۸۶)، «کارکرد مسجد در حکومت نبوی، حکومت اسلامی»، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۳۸-۱۵۲
۹. جوانعلی آذر، مرتضی، (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی نظریه ساخت اجتماعی واقعیت و نظریه اعتباریات علامه طباطبایی (ره) و تبیین دلالت‌های آن در حوزه سیاست‌گذاری»، رساله دکتری دانشگاه شهید مدرس، تهران صص ۱۱۶ و ۱۱۷
۱۰. جهان‌بین، فرزاد و معینی پور مسعود، (۱۳۹۳)، «فرایند تحقق تمدن سازی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۹، صص ۲۹-۴۶
۱۱. حجت‌زاده، سید عبدالحسین، (۱۳۸۴)، «بنیادهای فرهنگی و هویتی انقلاب اسلامی»، پژوهشنامه متین، ش ۲۶، صص ۱۹-۴۴
۱۲. حسینی، سید رضا، (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی فرهنگی بسیج با فرهنگ عاشورا»، مطالعات راهبردی بسیج، سال پانزدهم، ش ۵۶، صص ۲۳-۷۶
۱۳. حسینی خراسانی، سیداحمد، (۱۳۸۳)، «ولایت فقیه از نگاه شهید مطهری»، فقه، شماره ۳۹، صص ۲۱-۳۷
۱۴. خواجه سروری، غلامرضا، فتحی، محمدجواد، اسفندیار، محمد، (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های اصلی تمدن سازی انقلاب اسلامی (با تأکید بر نقش عقلانیت، معنویت، علم‌گرایی)»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ش ۱۱، صص ۷-۴۴
۱۵. دانایی‌فرد، حسن، امامی، سید مجتبی، (۱۳۸۶)، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد»، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، سال اول، شماره دوم، صص ۶۹-۹۸
۱۶. دوانی، علی، (۱۳۴۴)، «نقش دانشمندان مسلمان در سیر علوم و حقوق / تأثیر قرآن مجید در پیدایش علوم اسلامی»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال هفتم، شماره ۳، صص ۱۶-۱۶
۱۷. شبان‌نیا، قاسم، قربانی، مهدی، (۱۳۹۲)، «کارآمدی نظریه ولایت فقیه در تأمین مصلحت عمومی»، حکومت اسلامی، سال هجدهم، شماره ۶۷، صص ۳۳-۶۰



۱۸. شجاعی، هادی، (۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در بهسازی تمدن اسلامی»، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن اسلامی، صص ۳۸۰-۴۱۲
۱۹. عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن، (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین، روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، شماره ۱۰، ص ۱۵۱
۲۰. فرمehنی فراهانی، محسن، (۱۳۹۴)، «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی»، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن اسلامی، صص ۱۴۱-۱۵۵
۲۱. فوزی، یحیی، صنم زاده، محمدرضا، (۱۳۹۱)، «تمدن سازی از دیدگاه امام خمینی»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۹۱، سال سوم، ش ۹، صص ۷-۴۰
۲۲. قانع، احمدعلی، (۱۳۹۴)، «تمدن نوین اسلامی، نبایدها و بایدها»، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن اسلامی، صص ۵۳۹-۵۵۸
۲۳. قبادی، حسینعلی، (۱۳۷۳)، «نگاهی به شکوفایی ارزش‌ها در فرهنگ بسیجی»، مطالعات راهبردی بسیج، ش ۳ و ۴، صص ۱۴۱-۱۶۴
۲۴. قلی پور، حسین، سپهری، مهدی، (۱۳۹۴)، «معنا امکان و ضرورت تولید علم دینی در علوم انسانی با تأکید بر ادراکات عملی»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۶۳، صص ۲۶۱-۲۶۷
۲۵. گروه معارف اداره کل پژوهش سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی، (۱۳۹۵)، «ارکان تمدن نقش انقلاب اسلامی در اعتلای مجدد تمدن اسلامی»، فصلنامه مدیریت فردا، ش ۲، صص ۱۹-۳۳
۲۶. لکزایی، نجف، مرادیان، محسن، (۱۳۸۸)، «ظرفیت‌های علمی و فرهنگی ایران برای تحقق سند چشم‌انداز»، علوم سیاسی-دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۹-۳۴
۲۷. مسجد جامعی، احمد، (۱۳۸۴)، «قرآن کریم محور فرهنگ هنر و تمدن اسلامی»، گلستان قرآن، شماره ۲۰۴، صص ۵-۶
۲۸. محمدتقی، ایمان، نوشادی، محمودرضا، (۱۳۹۰)، «ارزیابی پارادایمی برنامه‌های توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات سیاسی-اقتصادی»، شماره ۲۸۶، صص ۲۸۴-۲۹۹
۲۹. میرزاپورارمکی، ابوالفضل، (۱۳۹۰)، «اهمیت و ضرورت تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و راهکارهای تحقق آن»، رهیافت، شماره ۴۹، صص ۶۹-۷۷
۳۰. منتظر القائم، اصغر، سلیمانی، زهرا، (۱۳۸۸)، «توسعه و تمدن ساز در حکومت‌های دینی»، تاریخ اسلامی در آینه پژوهش، ۱۳۸۸، ش ۲۴، صص ۶۵-۸۴
۳۱. نجفی، موسی، (۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی، گام‌ها و ابزارها»، شماره ۳۵۰ و ۳۵۱، صص ۳۳-۳۵



۳۲. نقی زاده، محمد، (۱۳۹۲)، «جایگاه مسجد در طراحی شهر اسلامی»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۹، صص ۲۰-۴۰

### ج) منابع اینترنتی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، از سال ۱۳۶۷ تا اسفند ۱۳۹۵، از طریق سایت -Khame-nei.ir در تاریخ‌های: ۱۳۸۰/۰۹/۲۱-۱۳۸۰/۰۷/۲۳-۱۳۹۱/۰۱/۰۱-۱۳۹۴/۰۱/۱۲-۱۳۸۸/۰۵/۱۲-۱۳۸۹/۰۸/۱۸-خطبه عقد ۱۳۷۶/۱۲/۱۸-خطبه عقد ۱۳۸۱/۱۰/۰۴-خطبه عقد ۱۳۷۷/۱۲/۲۶-۱۳۸۹/۰۸/۰۲-۱۳۹۴/۰۶/۱۲-۱۳۸۶/۰۵/۰۳-۱۳۸۶/۰۲/۱۲-۱۳۷۵/۱۰/۱۹-۱۳۹۵/۰۵/۳۱-۱۳۹۰/۰۷/۱۹-۱۳۸۴/۱۰/۱۴-۱۳۸۵/۰۲/۱۲-۱۳۸۶/۰۹/۲۷-۱۳۹۳/۱۰/۳۱-۱۳۹۵/۱۱/۱۱-۱۳۹۲/۰۸/۲۰-۱۳۷۰/۱۲/۰۱-۱۳۷۱/۰۸/۲۴-۱۳۷۲/۱۰/۰۱-۱۳۶۸/۰۶/۰۲-۱۳۸۳/۰۹/۱۱-۱۳۷۰/۱۱/۳۰-۱۳۷۱/۰۸/۲۴-۱۳۶۷-۱۳۶۹/۱۲/۰۹-۱۳۶۸/۰۳/۲۳-۱۳۷۳/۰۹/۲۷-۱۳۷۲/۰۹/۲۴-۱۳۸۵/۱۲/۰۱-۱۳۷۴/۱۰/۰۴-۱۳۷۳/۰۳/۱۴-۱۳۸۴/۱۲/۱۳-۱۳۸۲/۰۹/۱۷-۱۳۹۴/۱۰/۱۴-۱۳۸۳/۰۸/۲۹-۱۳۸۳/۰۴/۱۹-۱۳۹۵/۰۹/۲۳-۱۳۸۸/۰۹/۰۵-۱۳۹۱/۰۷/۱۹-۱۳۸۰/۰۶/۱۵-۱۳۹۳/۰۲/۱۵-۱۳۸۲/۱۱/۱۸-۱۳۸۱/۰۵/۰۵-۱۳۹۳/۰۶/۱۶-۱۳۹۲/۱۲/۱۴-۱۳۹۰/۰۷/۲۲-۱۳۶۸/۰۳/۲۲-۱۳۷۸/۰۹/۰۳-۱۳۶۹/۰۶/۲۹-۱۳۷۶/۰۶/۱۵-۱۳۹۳/۱۱/۰۱-۱۳۹۱/۱۲/۲۱-۱۳۸۱/۰۹/۱۵-۱۳۷۷/۰۷/۱۵-۱۳۸۲/۱۰/۱۴-۱۳۷۵/۱۰/۰۸-۱۳۷۹/۰۱/۰۶-۱۳۷۸/۰۳/۰۱-۱۳۷۴/۰۹/۱۶-۱۳۹۳/۰۱/۰۱-۱۳۸۴/۰۹/۰۷-۱۳۷۸/۰۹/۰۳-۱۳۸۴/۰۶/۰۲ و ...

### ۶-۲- منابع انگلیسی

1. Bredemeier, H. C. (1955). "The methodology of functionalism". *American Sociological Review*, 20(2), pp 173-180.
2. Bolger, Joe (2000): "Capacity development: why, what and how". In *Capacity Development Occasional Series 1 (1)*, pp. 1-8.
3. Boulinge, (1956). "General systems theory-the skeleton of science". *Management science*. vol: 2. p:205
4. Corbin, J., & Strauss, A. (2008). "Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory". Thousand Oaks.
5. Creswell, J. W. (2005). "Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative". Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall. pp. 146-166



6. Davis, K. (1959). "The myth of functional analysis as a special method in sociology and anthropology". American sociological review, pp 757-772
7. Lusthaus, Charles; Adrien, Marie-Hélène; Perstinger, Mark (1999). "Capacity development: definitions, issues and implications for planning, monitoring and evaluation". In Universalia Occasional Paper 35. pp. 1-21.
8. Targowski, Andrew (2009). "Towards a Composite Definition and Classification of Civilization". Compar

